

احسان طبری:

زیبای هزار ساله را بیارائیم

(ص ۳۹)

«جزیره امن»
در دویی برای چه
کسانی ساخته می‌شود؟

(ص ۱۵)

مصاحبه سردبیر راه توده:

بجای کناره‌گیری بایستیم و مبارزه را تشدید کنیم!

(ص ۳۸)

۲۸ مرداد

(ص ۲۱)

کالبدی که در آن روح تازه می‌دمند

Rahe Tudeh



راه

مرداد - شهریور ۱۳۸۱

توده

دوره دوم شماره «۱۱۹»

دفاع از جمهوریت

خواست و شعار جنبش است!

هر نوع تغییر در قانون اساسی - رفراندوم، تعیین تکلیف نهائی ولایت فقیه،
جلوگیری از بازتولید سلطنت و یا بازگشت سلطنت به ایران - در این شعار جمع است

میهن ما - "ایران" - شش سال پرحادثه را پشت سر گذاشته است. حوادثی، که از درون آن و همراه با آن، تاریخی‌ترین آگاهی عمومی یک ملت نسبت به ساختار و ماهیت یک حاکمیت و عمیق‌ترین و وسیع‌ترین عزم ملی برای مقابله با استبداد و دفاع از آزادی بیرون آمده است. رویدادی که هزاران هزار میهن دوست آگاه ایرانی در آرزوی تحقق آن پا به میدان مبارزه گذاشتند و با امید تحقق آن چهره در نقاب خاک کشیدند، عمری را در زندان‌ها سر کردند و یا در میدان‌های اعدام و تیرباران به خاک افتادند. اگر این آگاهی و عزم ملی را دست‌آورد هائی بزرگ بدانیم - که توده‌ای‌ها می‌دانند - بنابراین آنچه که بعنوان هزینه برای دست‌یابی به این آگاهی و عزم ملی پرداخت شده در مقایسه با نقش تاریخی که این دو دست‌آورد می‌تواند در ترسیم آینده ایران ایفاء کند ناچیز است. وقتی امروز برخی مبارزان و فعالان سیاسی ایران - اعم از دگراندیش مذهبی و یا غیر مذهبی - در اشاره به تلاش‌ها و دست و پا زدن‌های بازندگان این آگاهی و عزم ملی مدعی شده و می‌گویند «بازگشت به گذشته و بویژه بازگشت به دوران پیش از خرداد ۷۶ ناممکن است» با توجه و باور نسبت به چنین پشتوانه‌ای سخن می‌گویند.

ظهور این آگاهی و عزم ملی، که با فقر و تشدید فاصله طبقاتی در جامعه ایران همراه شده و بزرگترین بحران اجتماعی را شکل بخشیده، در مجموع خود یعنی «مردم ایران دیگر نمی‌خواهند مانند گذشته بر آنها حکومت شود» و دست و پائی که حاکمیت مافیائی در حلقه تنگ محاصره جنبش عمومی مردم ایران می‌زند و به هر ریسمان پوسیده‌ای برای بقای خود چنگ می‌اندازد، یعنی «حاکمیت نیز دیگر نمی‌تواند مانند گذشته بر مردم ایران حکمرانی کند». از دل همین تضاد آشتی ناپذیر است که تحولات همه جانبه در ایران روز به روز اجتناب ناپذیرتر می‌شود. این تضاد و بحران چنان آشکار و کتمان ناپذیر است که مصمم‌ترین مخالفان اصلاحات و تغییرات در جمهوری اسلامی نیز، خود بدان معترفند. این اعتراف نه تنها در تمامی مطبوعات موافق و مخالف اصلاحات منعکس است، بلکه "رهبر" جمهوری اسلامی نیز در پاسخ به نامه اعتراضی آیت‌الله طاهری چاره‌ای جز اعتراف بدان ندارد!

شرایط عینی تحولات اساسی در میهن ما، که حتی مخالفان اصلاحات نیز از آن با عنوان "بحران" یاد می‌کنند و برای مقابله با آن تشکیل «ستاد بحران» و «اعلام شرایط اضطراری» را پیشنهاد می‌کنند، آیا به معنای فراهم بودن شرایط ذهنی نیز هست؟ یعنی سازمان‌یابی و رهبری جنبش آنگونه هست که جنبش مردم قادر باشد مترقی‌ترین دست‌آورد‌ها را از دل این بحران همه جانبه به ارمغان آورد؟ تمام نگرانی‌ها نسبت به سرانجام جنبش ملی، آزادی‌خواهی، ارتجاع ستیزی و عدالت طلبی کنونی در میهن ما از دل پاسخ به همین پرسش بیرون می‌آید! (بقیه را در ص ۲ بخوانید)

پیشوا

و گوبلز کیهان

(ص ۹)

از صدر مشروطه تا کنون

هزار مزاحم

خودکامگی

صد ساله شده‌اند

(ص ۷)

آینده خوزستان

و نقش قبائل عرب

(ص ۲۰)

شاه

کدام را انتخاب می‌کرد:

۱- توسعه سیاسی؟

۲- توسعه اقتصادی؟

(ص ۳)

فاشیسم

بخت خود را بار

دیگر می‌آزماید!

(ص ۱۸)